

در محضر رهبر معظم انقلاب

پناهیان: راحت طلبی اولین مظهر حب‌الدنیا در انسان / این یک نقص فرهنگی بزرگ است که راحت طلبی در فرهنگ ما مذمت نمی‌شود/ امام در آخر عمرشان نگران جریان راحت طلبان و اسلام آمریکایی بودند/ در ادبیات امام اسلام آمریکایی همان اسلام راحت طلبان است/ امام(ره): از صدر اسلام تاکنون دو خط بوده است: خط اشخاص راحت طلب و ... / فرهنگ مبتنی بر مبارزه با هوای نفس، تمدن مبتنی بر هواپرستی غرب را نابود خواهد کرد

پناهیان: بسیاری از خانواده‌های مذهبی، گله‌مند هستند از اینکه: «بچه‌ها ما تا چهارده سالگی کم و زیاد بچه خوبی بود، و حتی نماز می‌خواند. نه تنها خیلی از رفتارهای ناخوب را نداشت، بلکه رفتارهای خوب هم داشت. اما کم کم سر و گوشش دارد می‌جنبد، کم کم دنبال رفقای ناباب است، از لذت حرام چشم نمی‌پوشد و دارد بد اخلاقی می‌کند.» بررسی که می‌کنی می‌بینی در این خانواده از هفت تا چهارده سال، پدر و مادر فرصت داشته‌اند که این بچه را از راحت طلبی جدا کنند. اما چون بچه‌اش را دوست دارد، می‌گوید بگذار بچه‌ام «راحت» باشد. از مدرسه آمده، می‌گوید بگذار جورابش را در بیاورم، بگذار غذایش را برایش آماده کنم. راحت طلبی بچه را باهانش مخالفت نکرده. حالا چهارده سالش شده است، و دیگر با شهوات آشنا شده. بچه‌ای که در دوران ادب بین هفت تا چهارده سال ادب نشده، و راحت طلبی بیشتر برایش جا افتاده، الان یک دفعه ای می‌خواهی بهش بگویی با شهوات مخالفت بکن، قبول نمی‌کند. بهش می‌گویی بیا نماز بخوان، قبول نمی‌کند. چرا؟ آیا چون ایمان ندارد؟ نه به خدا، ایمان دارد. آیا محبت به اهل بیت(ع) و اولیاء خدا ندارد؟ چرا، دارد، می‌بینی که محرم‌ها کم نمی‌گذارد برای امام حسین(ع)، اما کاهل نمازی می‌کند. اما دست‌درازی می‌کند به سوی گناه.

حجت الاسلام علی‌رضا پناهیان در آخرین شب مراسم عزاداری برای شهادت حضرت زهرا(س) که با حضور رهبر معظم انقلاب، اقشار مختلف مردم و جمعی از مسئولان نظام در حسینیه امام خمینی(ره) برگزار می‌شد، با موضوع «راحت طلبی، اولین تمایل انسان» سخنرانی کرد. مشروح این سخنرانی را در ادامه می‌خوانید:

راحت طلبی اولین گزایشی است که انسان تجربه می‌کند

اولین علاقه و اولین گزایشی که ما در خودمان تجربه می‌کنیم «راحت طلبی» است. حتی لذت جویی که یکی از فراگیرترین گزایش‌های ما در طول زندگی‌مان هست و برای همه آدم‌ها به انحاء مختلف، موضوع مطرحی است، بعد از راحت طلبی سراغ آدم می‌آید. گرچه خود راحتی لذت دارد، اما به هر حال انسان به راحتی علاقه مند است. یک نوزاد وقتی به دنیا می‌آید، تا گرسنه‌اش می‌شود، احساس می‌کند ناراحت شده، شروع می‌کند گریه کردن. تا دل‌درد می‌گیرد، ناراحتی را احساس می‌کند و عکس‌العمل نشان می‌دهد.

ما با راحت طلبی زاده می‌شویم. بعداً گزایش‌های دیگر دنیایی ما، بیشتر تجلی می‌کنند و بعضی از اوقات به خاطر همین راحت طلبی تورم یافته، گزایش‌های دیگر بد و خوبی هم در ما شکل می‌گیرد. شاید اوایلش انسان زیاد حب بقاء نداشته باشد؛ نمی‌فهمد من بمیرم یعنی چی، «دوست دارم من زنده بمانم» را ممکن است حس و تجربه نکند، ولی عجالتاً مایل است «ناراحت» نباشد. راحت طلبی یکی از گزایش‌های کلیدی ماست و یکی از شعبات اصلی حب‌الدنیاست.

امیرالمؤمنین علی(ع) درباره طبیعی بودن محبت به دنیا با همه مذمت‌هایی که در موردش هست، فرموده‌اند «النَّاسُ أُنْبَاءُ الدُّنْيَا وَالْوَلَدُ مَطْبُوعٌ عَلَى حُبِّ أُمَّه» (غررالحکم/ ۲۳۴۹) مردم فرزندان دنیا هستند، و بچه‌ها مادرشان را طبیعتاً دوست دارند، پس حب‌الدنیا طبیعتاً به دل ما می‌آید.

خیلی اوقات جوان‌ها خودشان را اهل حب‌الدنیا نمی‌دانند / «راحت طلبی» اولین مظهر حب‌الدنیا در جوانان است

الحمدلله جوان‌ها در مجلس ما و در مجالس مذهبی فراوان هستند، به آنها عرض می‌کنم: خیلی وقت‌ها جوان‌ها خودشان را اهل حب‌الدنیا نمی‌دانند، می‌گویند آیا ما حب مال داریم؟ حب جاه داریم؟ ما چه قسمتی از حب‌الدنیا را داریم؟ و خیلی‌ها هم جوان‌ها را باصفا می‌دانند. بله، واقعاً جوان‌ها، فی‌نفسه، باصفا تر از مسن‌ها هستند، ولی یکی از مهمترین صفات بد دنیا طلبانه، که می‌تواند در جوان‌ها رواج داشته باشد، حتی در جوان‌های به ظاهر خوب که اهل بی‌بند و باری نیستند، همین راحت طلبی است. می‌بینی جوان وقتی خودش را لذت پرست نمی‌داند، بچه خوبی می‌داند. وقتی خودش را شهوت‌ران نمی‌داند، و می‌بیند که دنبال هرزگی نمی‌رود، خودش را بچه خیلی خوبی می‌داند. اما وقتی دقت می‌کنی، می‌بینی راحت طلبی در او موج می‌زند.

وقتی یک دستور سخت از پدر و مادر، یا از هر کسی، موجب شود کمی ناراحت بهش برسد، برمی‌گردد سریع پرخاش می‌کند. حب‌الدنیا همین است دیگر. اولین مظهر حب‌الدنیا، در جوان‌ها و حتی نوجوان‌ها که باید برایش یک فکری کرد و باید هم در مقام مذمت و هم در مقام موعظه برایش کم گذاشت، همین راحت طلبی است. راحت طلبی است که موجب پرخاش می‌شود. مانند نوزادی که تا دلش درد می‌گیرد بلافاصله گریه می‌کند، این نوزادی است که بزرگتر شده، ولی از نظر رفتار، همان رفتار را دارد.

(۱- راحت طلبی و تربیت) مخالفت نکردن والدین با راحت طلبی فرزندان از ۷ تا ۱۴ سالگی، علت خراب شدن بچه‌های نمازخوان بعد از ۱۴ سالگی

وقتی ما جلوی این راحت طلبی را نگرفتیم، جلوی شهوت پرستی را هم نمی‌گیریم. بسیاری از خانواده‌های مذهبی، گله‌مند هستند از اینکه: «بچه‌ها ما تا چهارده سالگی کم و زیاد بچه خوبی بود، و حتی نماز می‌خواند. نه تنها خیلی از رفتارهای ناخوب را نداشت، بلکه رفتارهای خوب هم داشت. اما کم کم سر و گوشش دارد می‌جنبد، کم کم دنبال رفقای ناباب است، از لذت حرام چشم نمی‌پوشد و دارد بد اخلاقی می‌کند.» بررسی که می‌کنی می‌بینی در این خانواده از هفت تا چهارده سال، پدر و مادر فرصت داشته‌اند که این بچه را از راحت طلبی جدا کنند. اما چون بچه‌اش را دوست دارد، می‌گوید بگذار بچه‌ام «راحت» باشد.

از مدرسه آمده، می‌گوید بگذار جورابش را در بیاورم، بگذار غذایش را برایش آماده کنم. راحت طلبی بچه را باهانش مخالفت نکرده. حالا چهارده سالش شده است، و دیگر با شهوات آشنا شده. بچه‌ای که در دوران ادب بین هفت تا چهارده سال ادب نشده، و راحت طلبی بیشتر برایش جا افتاده، الان یک دفعه‌ای می‌خواهی بهش بگویی با شهوات مخالفت بکن، قبول نمی‌کند. بهش می‌گویی بیا نماز بخوان، قبول نمی‌کند. چرا؟ آیا چون ایمان ندارد؟ نه به خدا،

ایمان دارد. آیا محبت به اهل بیت (ع) و اولیاء خدا ندارد؟ چرا، دارد، می بینی که محرم ها کم نمی گذارد برای امام حسین (ع)، اما کاهل نمازی می کند. اما دست درازی می کند به سوی گناه.

قبل از «جشن تکلیف» باید در هفت سالگی «جشن ادب» گرفته شود

چه جوری باید این را کنترل کرد؟ برای خود جوان هم سخت شده است که با گناه و با شهوات مبارزه کند. یکی از دلایل اساسی اش این است که از هفت تا چهارده سال، کسی او را ادب نکرده. گفتند: «حالا بچه خوبی است، بگذار طبع میل خودش رفتار بکند، حالا کار خاصی که انجام نمی دهد، جنایت خاصی که انجام نمی دهد.» لذا قبل از اینکه در چهارده سالگی برای بچه ها «جشن تکلیف» گرفته شود که سنت خوبی است، باید در هفت سالگی «جشن ادب» گرفته بشود برای بچه ها؛ پدر و مادر مسئولیت هایی را به بچه بدهند. از آن راحتی قبل از هفت سالگی بچه را با منطق و محبت خارج کنند.

دیگر زندگی به این راحتی نیست. او باید اهل مبارزه با راحتی بشود، بدون تعارف. و آلا بچه خوب، در خانواده خوب، با علائق خوب، با ایمان نسبتاً خوب و معمولی در همین مقداری که هست، این بچه بعد از چهارده سالگی، نمی تواند جلوی شهوات خودش را بگیرد. با راحت طلبی باید مقابله کرد.

فاصله گرفتن از راحت طلبی، یکی از عوامل مهم رشد در جبهه ها

یکی از صحنه هایی که ما در جبهه ها می دیدیم و در فرآیند رشد این جوان ها که یک شبه راه صدساله را طی می کردند، اتفاق می افتاد، همین جدا شدن از راحت طلبی بود. من یادم است قبل از عملیات والفجر یک، بچه ها توی چادری که بودند در آن منطقه پشت عملیات، یک شب به همدیگر گفتند، همین جوری ارتكازی، کسی نبود که بیاید بهشون یاد بدهد، می گفتند: بچه ها! آیا این بد نیست که ما هر چیزی که لازم داریم و می خواهیم به از همدیگر می خواهیم و به همدیگر دستور می دهیم؟ «آن پارچ را به من بده... آن بشقاب را به من بده» همه مان تبل بازی درآوردیم. بیایید مردانه عمل کنیم. تصمیم گرفتند و نور این سخت کوشی را حس می کردند. اگر یک روز کمتر می دویند توی صبح گاه، می گفتند دلم مکز شده، سیاه شده. ما می دیدیم شهدایی را که به مقام عالی شهادت رسیدند، خب الان می گویم عاشق خدا بودند، چقدر مؤمن به قیامت بودند، اما این فرآیندی که طی شد تا به اینجا رسیدند، چی بود؟ یکی از مراحل بسیار زیبایش، جدا شدن از تبلی بود.

راحت طلبی یک بلیه عام البلوا در جامعه ماست / این یک نقص فرهنگی بزرگ است که راحت طلبی در فرهنگ ما مذمت نمی شود

راحت طلبی یک بلیه عام البلواست در جامعه ما. از آن جا که ما یک جامعه دینی داریم، در فرهنگ ما لذت طلبی که نزدیک تر است به عرصه گناه و عبور از خط قرمز، بیشتر مذمت می شود. ولی متأسفانه در فرهنگ عمومی و حتی فرهنگ دینی ما، راحت طلبی آنقدر مذمت نمی شود. این یک نقص فرهنگی بزرگ است.

من الان روایتی را برای شما بگویم، آیا تعجب نمی کنید؟ رسول گرامی اسلام اگر به یک دلیلی از یک جوانی خوشش می آمد، بلافاصله، می فرمود حرفه اش چیست؟ تا می گفتند شغل و حرفه ای ندارد، بلافاصله می فرمودند: از چشم افتاد. (كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا نَظَرَ الرَّجُلَ فَأَعْجَبَهُ قَالَ هَلْ لَهُ حِرْفَةٌ فَإِنْ قَالُوا لَا قَالَ سَقَطَ مِنْ عَيْنِي؛ جامع الاخبار/ ۱۳۹) مگر می شود؟ بیکار، بی عار؟ تبلی؟ ببینید بنده «خوش گذران» عرض نمی کنم! خیلی خوش گذران نیست، شاید عضو پایگاه بسیج هم باشد، اما تبلی اش را دارد. تکان نمی خورد. سختی به خودش نمی دهد.

راحت طلبی یکی از شعبات عجیب و غریب حبّ الدنیاست، که جوان و نوجوانی که نه اهل شهوات است، نه اهل معصیت است، نه حبّ مال، نه حبّ جاه، هیچ کدام از این آلودگی ها او را نگرفته، تقریباً قطعی بدانید او در معرض آلودگی حبّ راحت هست.

و اصلاً این جزء سبب خرید روزانه ما نیست. جزء توجهات روزمره و محاسبه نفس ما نیست که ببینیم ما چقدر راحت طلب هستیم. **کسی که بلافاصله عصبانی می شود و در رفتارهای معمولی به اطرافیان پر خاش می کند، راحت طلبی در او لبریز شده، و به صورت یک بیماری دارد در او نشان داده می شود.**

چقدر جالب است، در روایتی می فرماید: وقتی یک معصیتی کردی، خواستی جبران کنی، با یکی از کارهای خوب جبران کن، بعد یک مثال می زند می فرماید که مثلاً یک کسی عصبانی ات کرد، هیچی نگو، بگذار جبران آن گناهت بشود. (اسْتَعْفِرُوا بَعْدَ الذَّنْبِ أَسْرَعُ مِنْ طَرَفَةِ عَيْنٍ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَيَأْتِيَنَّكُمْ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَيَكْظِمُ الْعَيْظُ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَيَأْتِمُو عَنِ النَّاسِ...؛ مستدرک الوسائل / ج ۱۲۴ / ۱۲۴) یعنی خودداری از بروز ناراحتی، کفاره گناه است. و اصلاً اگر شما دقت کنید، می بینید خدا در مسیر معنوی زندگی برای انسان ناراحتی پیش می آورد و پروردگار عالم انسان را ناراحت می کند. حتی اگر کسی به آدم ظلم نکند، با سوء تفاهم این کار را می کند.

(۲-راحت طلبی و آموش و پرورش) فرزندان تان را در مدرسه ای ثبت نام کنید که بتواند قبل از هر چیزی،

راحت طلبی را در او مدیریت کند

راحت طلبی، یک خصلت طبیعی است، یک خصلتی است که از دوران نوجوانی باید باهاش مقابله کرد. پدر و مادر و آموزش و پرورش، هفت سال وقت دارند این راحت طلبی را از جان این بچه جدا کنند. بچه های تان را بروید توی مدرسه ای ثبت نام بکنید که مدیران محترم و معلمین محترم، قبل از آموزش هر کلمه ای به بچه، بتوانند این راحت طلبی را در او مدیریت کنند. و آلا اگر در این مدرسه حفظ قرآن هم بود، بچه تان را نگذارید در آن مدرسه. شما به یک عنصر راحت طلب قرآن یاد بدهی، بعد او چه موجودی خواهد شد! دین را هم در خدمت راحت طلبی خودش خواهد گرفت.

اگر بچه تان را می خواهید بگذارید در یک مدرسه اسلامی، و دیدید این مدرسه بلد نیست بچه شما را از راحت طلبی جدا کند، ولی می خواهد محبت اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را بهشان یاد بدهد، نگذارید آنجا، چون این پس فردا محبت اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را هم در خدمت توجیه و تئوریزه کردن راحت طلبی خودش قرار خواهد داد. آن وقت می شود جزء کسانی که حضرت امام (ره) در موردشان می فرمود: «ولایتی های راحت طلب!» که جریان هولناکی هستند که کلمات حضرت امام را درباره چنین افرادی برای شما قرائت خواهیم کرد.

مهمترین شاخص موفقیت آموزش و پرورش سالم چیست؟

مهمترین شاخص موفقیت آموزش و پرورش سالم، نه اسلامی، سالم! چیست؟ این که وقتی دیپلمش را گرفت از مدرسه آمده بیرون، کلمه دلم می خواهد برایش زشت باشد. از خودش خجالت بکشد که بگوید دلم می خواهد. و آلا آموزش و پرورش موفق نبوده. کدام شاخص را شما می توانید به عنوان شاخص برتر از این بیان کنید؟ راحت طلبی گاهی از اوقات جنبه امّ الفساد پیدا می کند.

در فرهنگ جامعه هم همین طور است. آقا پسر می رود برای خواستگاری. خب حرفه اش چیست؟ در جایی استخدام رسمی شدند. خوب است دیگر، پولش می رسد. خانواده دختر خانم دیگر کاری ندارند به اینکه آقا شخصیتش چیست. در حالی که شخصیت این جوان خیلی مهمتر از پولش است، مگر این دختر را داری می دهی به پول او؟ داری می دهی به شخصیت ایشان. بگو خب استخدام شدی، سخت کوش هم هستی یا نه؟ یا خودت را آویزان کردی به یک حقوق بخور و نمیر؟ اگر ثابت کرد سخت کوش است، تربیت شده برای سخت کوشی، دخترت

را بهش بده. و آلا استخدام رسمی بودن فضیلت نیست. آیا همین که استخدام است و حقوقش می‌رسد خوب است؟ حالا هر شخصیت شل و ول و تبلی داشته باشد، اشکال ندارد!

آیا استخدام دائم بودن به این معنی که از یک جایی یک حقوق مستمر بیاید، این در فرهنگ ما ارزش شده است؟ نه سخت کوش بودن؟! این فرهنگ معلوم است اشکال دارد. وقتی فرهنگ این‌جوری شد، آن وقت در این فرهنگ شما می‌خواهی بگویی آقا بلند شو برای نماز؟ بابا! حرف زور می‌زنی. این برای خودش بلند نمی‌شود، برای خدا بلند شود؛ امام هادی(ع) می‌فرماید «مَنْ كَسَلٌ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ؛ کسی که حال ندارد برای دنیای خودش بود، برای آخرت خودش بیشتر حال ندارد.» (کافی/۵۶۰/۹) راحت‌طلبی را باید به عنوان یک گرایش زشت و قوی علیه‌اش قیام کرد. من اینها را می‌گویم، تا بعضی از روایات و بعضی از کلمات حضرت امام(ره) برایتان آوردم، آنها را بشود اینجا خواند، در جلسه‌ای که این آمادگی را پیدا کرده می‌شود آن عبارات را قرائت کرد.

وقت خیلی کم است، من دیگر آن روایاتی که می‌فرماید: «علم را در سختی به بندگاتم می‌دهم. اما بندگان من به دنبال علم هستند با شکم سیر و با آسایش، نمی‌شود. راحتی را در دنیا نگذاشته‌ام، بندگان من در دنیا دنبال راحتی هستند، نمی‌شود.» (وَصَعْتُ الْعِلْمَ فِي الْجُوعِ وَ الْجَهْدِ، وَ هُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي السَّخِّ وَالرَّاحَةِ، فَلَا يَجِدُونَهُ... وَصَعْتُ الرَّاحَةَ فِي الْجَنَّةِ وَ هُمْ يَطْلُبُونَهَا فِي الدُّنْيَا فَلَا يَجِدُونَهَا؛ عِدَّة الدَّاعِي ۱۷۹/۱)

حالا در مورد اینکه ما چگونه می‌توانیم به راحتی برسیم هم یک عبارت برای شما بخوانم، بعد زندگی را تفسیر بکنیم برویم جلو. از امام صادق(ع) پرسیدند: «أين طريق الراحة» ما چه کار کنیم به راحتی برسیم؟ فرمود «في خلاف الهوى» در مخالفت کردن با هوای نفس؛ با «دلَم می‌خواهد» مخالفت کن. بعد گفت «فَمَتَى يَجِدُ عَبْدُ الرَّاحَةِ؟» بنده خدایی که مخالفت با هوای نفس کند، کی به راحتی می‌رسد؟ امام صادق(ع) فرمودند: «عِنْدَ أَوَّلِ يَوْمٍ يَصِيرُ فِي الْجَنَّةِ» روز اولی که وارد بهشت شوی. حل است؟! برو!

۳- راحت‌طلبی و فرهنگ) تبلیغ راحت‌طلبی در هر جایگاهی، زیرساخت اساسی فرهنگ جامعه را نابود می‌کند/ نابود باد هر نوع تبلیغی که به نفع راحت‌طلبی باشد

راحت‌طلبی را باید مدیریت کرد. اگر بنا شد کار فرهنگی بکنیم، کار فرهنگی که بدون تدبیر امکان ندارد. اینکه هزارتا سرفصل خوب بگذاریم جلوی خودمان، و بگوییم همه اینها را به دست بیآوریم، اصلاً امکان ندارد. شما برای جسم‌تان بخواهید برنامه‌ریزی بکنی این‌جوری نیست، چه برسد به این که بخواهی برای روح پیچیده‌ات این کار را بکنی. آیا مسئولین فرهنگی جامعه ما مفاهیم دینی را مهندسی، طبقه‌بندی، رتبه‌بندی و زمان‌بندی کرده‌اند و اولیت‌ها، اولویت‌ها را مشخص کرده‌اند؟ آیا محور کار فرهنگی را مشخص کرده‌اند؟ الان برای ارتقاء فرهنگ در کشورمان، محوری‌ترین کار چیست؟ محوری‌ترین کار که صدتا کار نمی‌شود، یک دانه است. نه اینکه بگوییم «یکی از محوری‌ترین...، یکی از محوری‌ترین...»، یکی از مهمترین... آیا مهمترین هست؟ مهمترین، یک دانه است، صدتا نمی‌شود.

وقتی وارد کار فرهنگی بشوی، می‌بینی دوتا فرهنگ الان در جهان هست، یک دانه‌اش تازه متولد شده و هنوز رشد نکرده؛ فرهنگ اسلامی انقلابی ماست، که نوظهور است؛ این را باید تکمیل کنیم.

فرهنگ دیگری که در جهان هست، فرهنگ منطح غربی است که فعلاً حاکمیت دارد، و مردم جهان کم و بیش آسیب دیده از آن فرهنگ هستند. آن فرهنگ، مبتنی است بر راحت‌طلبی. محورش «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَيْهِ هَوَاهُ» (فرقان/۴۳) آیا دیدی کسی که خدای خودش را هوای نفس قرار داد؟ در آن فرهنگ، راحت‌طلبی تبلیغ می‌شود. نابود باد هر نوع تبلیغی که به نفع راحت‌طلبی باشد. به هر دلیل و زبان و توجیهی. در هر مقطعی و در هر جایگاهی، چون زیرساخت اساسی فرهنگ جامعه را نابود می‌کند. ایمان به خدا هم دیگر کاری برای آن جامعه نخواهد کرد.

شما در فاطمیه به سر می‌برید. من دلیل فاطمیه‌ای این بحث خودم را خدمت شما قرائت خواهم کرد. محور، مخالفت با هوای نفس است.

- آقا! اگر بنا باشد با راحتی مخالفت کنیم، سَنَسُّ را هم که بُردی از هفت سال. خب، انسان رنج می‌برد!

- دنیا برای رنج است عزیز من. پیامبر گرامی اسلام در سخن شریفی فرمودند: چرا از خدا محال تقاضا می‌کنید؟ گفتند آقا! ما که محال از خدا تقاضا نمی‌کنیم، فرمود بله، محال تقاضا می‌کنید. شما راحتی مگر نمی‌خواهید؟ گفتند خب بله، فرمود راحتی محال است در دنیا. (قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص بِإِصْحَابِهِ لَا تَمْتَمُوا الْمُسْتَحِيلَ قَالُوا وَ مَنْ يَتَمَتَّى الْمُسْتَحِيلَ فَقَالَ أَنْتُمْ لَأَسْتَمَّ تَمَتُّونَ الرَّاحَةَ فِي الدُّنْيَا قَالُوا بَلَى فَقَالَ الرَّاحَةُ لِلْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا مُسْتَحِيلَةٌ. اعلام الدین / ۲۷۸)

به جوان‌ها راست بگوییم: جوان در این دنیا به آرزوهایش نمی‌رسد/ این را جا بیاندازیم که «زندگی انسان با رنج عجین شده»

راست بگوییم به جوان‌هایمان. چند نفر از جوان‌هایی که در همین جلسه شریف نشستند، از اولین و تنها نامه اخلاقی که در صدر اسلام خطاب به جوان‌ها نوشته شده خبر دارند؛ نامه سی و یکم نهج‌البلاغه، نامه‌ای است که امیرالمؤمنین علی(ع) خطاب به جوان‌ها نوشتند؛ این نامه، یک متن کلیدی و راهبردی در تعلیم و تربیت است. هفت خصلت از خودشان می‌فرماید: «مِنَ الْوَالِدِ الْفَانِ، الْمُرِّ لِلزَّهْنِ، الْمُسْتَسْلِمِ لِلدُّنْيَا» از پدر فانی، زمین خورده در مقابل زمان و قهر طبیعت؛ طبیعت بر من غلبه کرده و من تسلیم زمان شدم. هفت‌تا خصلت که همه‌اش به قول امروزی‌ها منفی است، بعد چهارده خصلت از جوان می‌شمارند: «الی المولود...»، یعنی به این تازه به دنیا آمده، به این جوان، به این تازه رسیده. «الی المولود الْمُؤْمَلُ مَا لَا يَذُرُّكَ» به جوانی که به آرزوهایش نخواهد رسید.

جوان‌های مذهبی که فدای امیرالمؤمنین می‌شوید، آیا تا حالا کسی به شما گفته و مکرر گفته و مصراغه گفته که جوان تو در این دنیا بنا نیست به آرزوهایت برسی. کلاس می‌گذارند، پول می‌گیرند از مردم، می‌گویند ما بهت می‌گوییم چه جور به آرزوهایت می‌رسی. دروغ می‌گوید، فقط ناراحتی‌ها را افزایش می‌دهد؛ «الی المولود الْمُؤْمَلُ مَا لَا يَذُرُّكَ».

امام زین‌العابدین(ع) در کلام شریفی می‌فرماید «لَا تَطْلُبْ مَا لَمْ يُخْلَقْ» چیزی که خلق نشده نخواه! طرف برگشت گفت: «كيف يُطْلَبُ مَا لَمْ يُخْلَقْ؟» چه جور بخواهم چیزی که خلق نشده؟ حضرت فرمود: مگر چیزهایی که می‌خواهی به خاطر راحتی نیست؟ خب چرا، فرمود «الرَّاحَةُ لَمْ تُخْلَقْ فِي الدُّنْيَا» راحتی در دنیا خلق نشده؛ (خصال صدوق/۶۴/۱) خودت را راحت کن. ما می‌خواهیم جلوگیری کنیم از یک فساد عظیم.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد/۴) ما انسان را در رنج آفریدیم. این از اولین آیاتی است که جوان باید یاد بگیرد. بنده سال‌ها قبل با رفقایمان بررسی کرده بودیم در دوازده سال آموزش و پرورش، یک همچنین آیه‌ای آموزش داده نمی‌شود. بعد باید دیده بشود آن اتفاق فکری که تصمیم می‌گیرد کدام آیه آموزش داده بشود، آن کجاست؟ «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» ما انسان را در رنج آفریدیم. مای خدا، انسان را در رنج آفریدیم.

پیامبر گرامی اسلام، یک عده جوان‌ها را دیدند، که به تعبیر امروزی‌ها دارند مسابقه قوی‌ترین مردان مدینه را اجرا می‌کنند، یعنی سنگ برمی‌داشتند ببینند چه کسی قوی‌تر است. حضرت آمدند بی‌رودربایستی بهشون فرمودند: خب، این مسابقه در جای خودش خوب، ولی قوی‌ترین آدم کسی است که مخالفت بکند با دوست داشتی‌هایش! (مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ص بِقَوْمٍ يَرْفَعُونَ حَجْرًا...؛ معانی الاخبار/۳۶۶)

اصل این مطلب را جا بیاندازیم، برای یهودی‌ها و زرتشتی‌ها و ارمنی‌ها و مسیحی‌ها و ادیان دیگر هم می‌توانیم این را جا بیاندازیم، این حرف دینی نیست، اصلاً نمی‌شود انسان را فریب داد. انسان زندگی‌اش با رنج عجین شده. شما نمی‌توانید رنج را حذف بکنید. مراقب

راحت طلبی خودتان باشید. شیطان گول می‌زند آدم را. می‌گوید: «ته! این دفعه دیگر همه چی درست می‌شود. نه! این دفعه همه چی درست می‌شود...» نه! هیچ وقت درست نمی‌شود.

- آقا! شما این حرف را می‌زنی، عارضه‌اش این نیست که ما دیگر هیچی را درست نکنیم؟

- بله، خیلی از حرف‌های درست هست که اگر به آدمی که از شعور کافی برخوردار نیست بزنی، کج برداشت می‌کند. از آیات قرآن هم خارج کج برداشت کردند، و می‌خواستند امیرالمؤمنین (ع) را بکشند. می‌گفتند: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ، إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ...». از آیه قرآن هم می‌شود بد برداشت کرد. بله، بعضی‌ها ممکن است از این حرف بد برداشت بکنند، و بگویند چون رنج را نمی‌شود حذف کرد، پس ما همین جوری می‌نشینیم رنج می‌کشیم. خوب این یک برداشت احمقانه از این حرف است. زیبایی کار این است که:

(۱) هم باید رنجت را کم کنی. چون اگر بخواهی رنج را از بین ببری، به خودت و دیگران ظلم خواهی کرد. لذا هم باید رنج خودت را کم بکنی،

(۲) هم باید بدانی که در رنج در زندگی هست.

(۳) و هم باید از رنجت، بهره‌برداری بکنی.

رنج هست، اما بعضی‌ها رنج می‌کشند، ولی آدم نمی‌شوند، رشد نمی‌کنند، و نابود می‌شوند. و بعضی‌ها رنج می‌کشند، آدم می‌شوند، رشد می‌کنند، قوی می‌شوند. یکی تصادف می‌کند می‌رود بیمارستان، بعد باید برود فیزیوتراپی و ورزش، یکی از روز اول رفته ورزش، والا رنج همه می‌کشند. رنج را نباید حذف کرد. ولی علیه راحت‌طلبی، ریشه‌ای باید قیام کرد.

۴- راحت‌طلبی و بندگی) مبارزه با دوست‌داشتنی‌ها، و در رأس آن راحت‌طلبی، محور خودسازی و نظام

دین است/ راه رسیدن به عبودیت، ترک دوست‌داشتنی‌ها و راحت است

علیه راحت‌طلبی قیام کردن، یک موضوع غریب است در جامعه ما، در حالیکه جایگاه بسیار اساسی دارد، کما اینکه محور مهم مبارزه با هوای نفس و مقابله کردن با دوست‌داشتنی‌ها، موضوع محوری در خودسازی، در دین، امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «نِظَامُ الدِّينِ مُخَالَفَةُ الْهَوَى؛ نظام دین مخالفت کردن با هوای دین است» (غررالحکم/ ۹۱۵۲)

و اول هوای نفس هم همین راحت‌طلبی است. آیا توانستی با راحت‌طلبی مبارزه کنی؟ از هفت سالگی که بچه با ادب تمرین مخالفت با راحت‌طلبی کرد، بعد چهارده سالگی می‌گویند با این لذت هم مقابله کن. دیگر عادت دارد به این کار. چون توی خانه تمرین کرده؛ پای فیلم نشسته این را بهش یاد دادند و برایش جا افتاده است.

امام صادق (ع) بنا بر نقل مصباح‌الشریعه می‌فرماید «تَفْسِيرُ الْعُبُودِيَّةِ» تفسیر عبودیت چیست؟ «بَدَلُ الْكُلِّ» همه چی را بدهی. «وَسَبَبُ ذَلِكَ» چی می‌شود که تو می‌توانی عبودیت داشته باشی همه چی را در راه خدا بدهی؟ «وَسَبَبُ ذَلِكَ مَنَعُ النَّفْسِ عَمَّا تَهْوَى» نفس خودت را باز بداری از آن چیزی که دلت می‌خواهد. «وَوَحْمَلَهَا عَلَيَّ مَا تَكْرَهُ» وادارش بکنی به چیزی که دوست ندارد. وادارش کن به چیزی که دوست ندارد. این می‌شود عاملش. «وَمِفْتَاحُ ذَلِكَ» کلیدش چیست؟ «تَرْكُ الرَّاحَةِ» راحت را باید بگذاری کنار. (مصباح‌الشریعه/ ۷)

الهی فدای آن شهدایی بشوم که خدا شاهد است یکی یکی قیافه‌هایشان یاد می‌آید، زیاد مریب اخلاق نداشتند، اما از آب کره می‌گرفتند. مکرر خاطرات‌شان را شاید شنیده یا خوانده باشید. یکبار می‌رفت جبهه برمی‌گشت، مامانش تشک می‌انداخت، می‌گفت: پسرم بخواب. می‌گفت من روی تشک می‌خواهم دلم می‌گیرد، روی زمین می‌خوابید. می‌گفت دلم می‌گیرد.

از اول شروع کن، وسط راه خودت را معطل نکن. هی می‌خواهی بروی روی حجاب کار کنی، روی نماز خواندنش کار کنی. این آدم راحت‌طلبی او را کشته. گوش نمی‌دهد به این حرف‌ها. ایمان به خدا هم دارد، اما عادت نکرده، تمرین نکرده، فرهنگ برایش نشده.

در روایت دیگر امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «بِالتَّعَبِ الشَّدِيدِ تَذَرُكَ الذَّرَجَاتِ الرَّفِيعَةَ وَ الرَّاحَةَ الدَّائِمَةَ» (غررالحکم/ ۱۶۸) یا سختی‌های شدید درجات رفیع درک می‌شود.

فرهنگ مبتنی بر مبارزه با هوای نفس، تمدن مبتنی بر هواپرستی غرب را نابود خواهد کرد/ چه کسی

سران اتحادیه اروپا را پررو کرده؟!

من واقعاً عذرخواهی می‌کنم، محضر همه علماء، عزیز دلمان، محکم حرف می‌زنم، عذرخواهی می‌کنم، جوان‌ها را می‌بینم، من هم نوکر این جوان‌ها هستم و بالاخره مأموریتم این است. در مقام صحبت کردن این حرف‌ها را باید محکم زد. و آلا می‌دانم جسارت است و خودم هم ناراحت هستم از این همه جسارت خودم. ولی از بس ما جدی نمی‌گیریم این حرف‌ها را، باید در جامعه این حرف‌ها محکم زده بشود برای ما. که بابا! این یکی از حرف‌ها نیست، بلکه اصل مسیری است که تو باید طی بکنی. این فرهنگی که مبتنی است بر مبارزه با هوای نفس، تمدن غرب را که مبتنی است بر هواپرستی، نابود خواهد کرد.

اخیراً سران مزخرف اتحادیه اروپا، دور هم نشستند درباره ایران چه نسخه‌ای نوشتند؟ کلمات قبیحی که ما در

جلسات محترمانه اصلاً این کلمات قبیح را یاد نمی‌کنیم، که حتی بخواهیم علیه اش حرف بزیم. شدت هواپرستی در

جوامع غربی، به همجنس بازی کشیده شده. برای حقوقی کردن یک همچین مزخرفاتی که از نتایج زندگی

هواپرستانه است، می‌خواهند بیایند دفتر بزنند یک همچین چیزهایی را در کشور ما رواج بدهند. چه کسی اینها را

پررو کرده؟! چه کسی به آنها چراغ سبز نشان داده؟! خدایا! کسانی که به دشمنان ما چراغ سبز نشان می‌دهند،

چراغ‌شان را کور کن. مملکتی که مبتنی باشد بر مبارزه با هوای نفس، و این را در فرهنگش علم کند، ناامید می‌شود

دشمن.

تفسیر زندگی انسان، مدیریت رنج برای «کاهش رنج نابجا» و «مفید قراردادن رنج» است / چگونه باید رنج

را مدیریت کرد؟

یک نتیجه‌گیری کنم از این بحث که ما بالاخره با راحتی چه کار کنیم، بعد نتایج اجتماعی بحث را با همدیگر مرور کنیم، و به فاطمیه برسیم.

آقا! راحت طلبی‌مان را چی کار کنیم؟ عزیز من! رنج و راحتی را در دنیا باید مدیریت کرد. رنج را نمی‌توانی حذف بکنی، باید مدیریت کنی.

راحتی هم قطره چکانی بهت می‌دهند. «وَمَنْ نَعَمَّرَهُ نُنَكِّسُهُ فِي الْخَلْقِ» (یس/ ۶۸) هر کسی را ما پیر می‌کنیم، بدنش را ضعیف می‌کنیم، استخوان‌هایش شکننده می‌شود. خداوند متعال در این‌باره صریح با ما سخن می‌گوید.

فرهنگ دینی ما را نگاه کنید، جالب است، یک جایی در محیط مذهبی من این جور آریات قرآنی را کنار همدیگر گذاشتم، یکی از جوان‌ها -

من تعجب می‌کنم، جوان که باید خیلی شیر باشد، یل باشد، اهل سختی کشیدن باشد- آمده می‌گوید: «آقا! شما حال ما را گرفتی با این دین

و خدایی که معرفی کردی.» می‌گویم: «یعنی چی حال شما را گرفتیم؟ مگر آیات قرآن نبود؟» من هم اتفاقاً مراعات می‌کردم، آیه قرآن

می‌خواندم، بعد می‌گفتم به فلسفه اش دقت بکنید. توی مقدمه بحث بود، انکار می‌کرد. ناراحت شده بود! ناراحتی‌اش را ابراز می‌کرد. می‌گفت:

«یک کمی از رحمت خدا هم بگو.» آقا! مگر من از غضب خدا دارم صحبت می‌کنم؟ من از رنج طبیعی انسان که مظهر رحمت خداست دارم صحبت می‌کنم. خدا عین رحمش است که تو را رنجور آفریده. از رحمت خدا صحبت بکن یعنی چه؟ مگر من از غضب خدا صحبت کردم؟ چقدر فاصله‌ها زیاد است.

رنج را مدیریت باید کرد. چه‌گونه می‌شود رنج را مدیریت کرد؟ رنج را مدیریت کن دوتا اتفاق برایش بیفتند: یکی اینکه رنج نابه‌جا نکشی؛ «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنِ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَبِئْثَةً صَنْعًا» (طه/ ۱۲۴) هر کسی از ذکر من دوری کند، من زندگی‌اش را سخت خواهم کرد. چرا رنج بی‌جا می‌کنی؟ یک دفعه‌ای می‌روی یک صاحب نفس پیدا می‌کنی می‌گویی این مریضی چرا آمده سراغ من؟ می‌گویند فلان لقمه حرام را خوردی، بهت نمی‌ساخته، این مریضی حالا تا یک هفته هشت سال دیگر هست. ده برابر پول خرج باید بکنی. چرا رنج اضافی بکنی؟

تفسیر زندگی انسان این است: مدیریت کردن رنج. برای کاهش دادن رنج نابه‌جا، این یک کار. مدیریت رنج یک رکن دیگر هم دارد. از رنج‌هایت استفاده کن. رنج می‌بری مقرب بشو؛ مثلاً طرف می‌رود حرام امام رضاع) گریه می‌کند، غصه دارد، ته غصه‌هایش را که نگاه می‌کنی حسادت است. بابا! غصه از سر حسادت اصلاً خوب نیست بخوری. این غصه که تو را مقرب نمی‌کند عزیز من. اصلاً چرا این غصه را بخوری؟ یا ته رنجش را که نگاه می‌کنی، می‌بینی غرورش است. آخر چرا؟ یک رنجی بکش که تعالی پیدا کنی.

ورزش و تحصیل، دو نمونه از رنج‌های مفید / «جهاد» نامی برای مدیریت رنج

مدیریت کردن رنج، برای این دوتا امر است، یکی از بین بردن رنج نابه‌جا و یکی مفید قرار دادن رنج. مثلاً چندتا رنج خوب پیشنهاد بدهم؛ یکی از برنامه‌های معقول برای مدیریت رنج، ورزش است. در ورزش خودت به استقبال یک خستگی می‌روی، تا یک راحتی جایش بیاید. بعد این خستگی هم تنومندترت می‌کند. چقدر خوب است، بارک‌الله.

رنج دیگری که من پیشنهاد می‌دهم، رنج تحصیل است. رنج تحصیل را هم تحمل بکن. بین چقدر مشاعرت باز می‌شود، چقدر تعالی پیدا می‌کنی، چقدر هوس‌هایت کاهش پیدا می‌کند. یکی از راه‌های مقابله با شهوت، حکمت است. عقلانیت خودت را افزایش بدهی، شهوات کاهش پیدا می‌کند. آدم فهمیده که شهوت‌ران نمی‌شود.

یک پیشنهاد دیگر، یک کمی دینی‌تر؛ «جهاد» نامی است برای مدیریت کردن رنج؛ می‌روی به استقبال رنج، جهادگرانه، آن‌وقت بسیاری از رنج‌های نابه‌جا را کاهش می‌دهی. بعد بالاخره رنج که هست عزیز من، حالا بنا بوده در تصادف دستت بشکند، در راه دفاع از خدا دستت شکسته. بارک‌الله! بارک‌الله! رنجت را مفید قرار بده. هر کسی باید یک وقتی بمیرد دیگر. یا در تصادف یا بیماری یا در راه خدا به شهادت می‌رسد.

در مجلس ختم این شهیدی که در اثر نهی از منکر، با ارادل و اوباش برخورد کرده بود، شرکت می‌کردم، واقعاً نمی‌توانستم ابتهاج خودم را پنهان کنم، اصلاً نمی‌توانستم به خانواده ایشان تسلیت بگویم. در شرایطی که سالانه چندصد و چند هزار جوان، به دلایل واهی از دنیا می‌روند، رنج جان دادن این شهید برای چی شد؟ رنج بیماری‌اش، دو سال، خانه‌شان را فروختند خرج بچه‌شان کردند. برای چی خانه‌شان را فروختند؟ برای چی بچه‌شان بیمارستان بود؟ به‌خاطر خدا. به به چقدر زیباست. رنج خوب بکش.

آقایسر یکی از خادمین حضرت امام در نجف، که اهل افغانستان شریف هم هستند، به بنده می‌فرمود پدرم می‌فرمودند که بانوی مکرمه حضرت امام مشخصات فرمودند برو یک خرمای خیلی سفت و خشک، یک خرمایی آدرس دادند، از آنها بخر بیاور. من رفتم آوردم، اما مقبول نیفتاد. فرمودند: نه، اینها را نمی‌گویم، سفت‌تر باشد. دیگر رفتم یک خرمافروشی، چیزهایی که می‌خواست تقریباً بریزد دور گرفتم آوردم. بعداً

پرسیدم که مادر! اینها را برای چی می‌خواستید؟ فرمود: امام شب‌ها می‌نشینند مطالعه می‌کنند، من می‌خواهم این خرمای خشک را بگذار زیر زبانش، هم فشارش پایین نیاید، هم یک تغذیه‌ای شده باشد؛ بعد رنج امام را در مطالعه شبانه بیان می‌کردند. من اصلاً ماندم همین‌جوری.

همین جوری مگر کسی به جایی می‌رسد؟ امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید وسط روز می‌رفت دنبال کار کردن برای معاش. می‌فرمود من می‌خواهم سختی کار کردن برای تأمین معاشم را خدا ببیند. (كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يَخْرُجُ فِي الْهَاجِرَةِ فِي الْحَاجَةِ قَدْ كَفَيْهَا يُرِيدُ أَنْ يَرَاهُ اللَّهُ تَعَالَى يُتَعَبُ نَفْسَهُ فِي طَلَبِ الْحَالِ. من لايحضره الفقيه/ ۱۶۳/۳)

مدیریت عاقلانه رنج، خیلی متفاوت است با فرار ابلهانه و احمقانه از رنج

جامعه راحت طلب که به جایی نخواهد رسید. تفسیر زندگی یعنی مدیریت رنج. یعنی به استقبال رنج برو و مدیریت عاقلانه رنج، خیلی متفاوت است با فرار ابلهانه و احمقانه از رنج. فرهنگ غربی ما را به فرار احمقانه از رنج دعوت می‌کند. فرهنگ اسلامی ما را به استقبال عاقلانه از رنج دعوت می‌کند. از دل چنین فکر و فرهنگی، جهاد برمی‌خیزد. امیرالمؤمنین علی(ع) چی می‌فرمودند؟ به استقبال بروید سختی‌ها را، سختی‌ها کاهش پیدا خواهد کرد و آلا سختی‌های بدتری نصیب تان خواهد شد، رنج اضافی هم خواهید کشید، مگر می‌تواند کسی رنج نکشد؟ (إِنَّ لِلنَّكَبَاتِ عَايَاتٍ لَا يَدْرُ أَنْ تَنْتَهِيَ إِلَيْهَا فَإِذَا أَخْذَمَ عَلَىٰ أَحَدِكُمْ لَهَا فَلْيَطَّأْطِئْ لَهَا وَ يَصْبِرْ حَتَّىٰ تَخُورَ فَإِنَّ إِعْمَالَ الْحَيَلَةِ فِيهَا عِنْدَ إِقْبَالِهَا زَائِدٌ فِي مَكْرُوهِهَا. التمهيص/ ۶۴ و تحف العقول/ ۲۰۱)

برخورد شدید خداوند با راحت‌طلبان

بعضی از آیات جهاد را برایتان آورده بودم، وقت نیست، می‌خواهیم برسیم به کلمات حضرت امام و مادر مکرمه‌شان فاطمه زهرا(س)، ببینیم اصلاً مناسبت این بحث با فاطمیه چقدر است. ولی یکی دوتا آیه را بگذارید فقط برایتان اشاره کنم در سوره توبه. اینقدر خدا از تبیل‌های راحت طلب جهاد نرو، بدش می‌آید، که می‌فرماید پیغمبر من! در آیه هشتاد و سه، اگر اینها که ازت اجازه گرفتند جهاد نیابند بنشینند، با پیرزن‌ها نشستند نیامدند جهاد، اگر دفعه بعد برگشتی آمدند ازتون اجازه بگیرند برای جهاد، بگو شما هرگز با من جهاد نخواهید آمد، بروید بنشینید با همان کسانی که نشسته بودید. اصلاً دیگر لیاقت بهشون نمی‌دهد برای برخاستن. (فَإِنَّ رَجْعَكَ اللَّهُ إِلَىٰ طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذِنُواكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَ لَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوْلَٰ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ. التوبة/ ۸۲)

در یک سوره دیگری، از سوره‌های نازنین قرآن، می‌فرماید: «وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نَزَّلَتْ سُورَةٌ» چرا سوره‌ای نازل نمی‌شود؟ مؤمنین می‌گویند چرا سوره‌ای نازل نمی‌شود برای جهاد؟ یک سوره نازل بشود که در آن خدا فرمان جهاد بدهد، چشم. «فَإِذَا أَنْزَلْتَ سُورَةً مُّحْكَمَةً وَذَكَرَ فِيهَا الْقِتَالَ» وقتی که یک سوره‌ای نازل بشود که دستور جنگ تویش داده، «رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَعْشِيَةِ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ» می‌بینی کسانی که قلبشان مریض است، عین مرده‌ها بهت نگاه می‌کنند. انگار دارد می‌میرد از ترس. ترسیم خدا را ببینید. بعد می‌فرماید که «فَأُولَىٰ لَهُمْ» (محمد/ ۲۰) همان مرگ هم برایشان بهتر است. چرا آیه قرآن برای جهاد نازل می‌شود مثل مرده‌ها نگاه می‌کنی؟ می‌ترسی چرا؟ خواهش می‌کنم آیات قرآن را در این‌باره مطالعه بفرمایید.

۵- راحت‌طلبی و سیاست) امام(ره): از صدر اسلام تاکنون دو طریقه، دو خط بوده است. خط اشخاص

راحت‌طلب و .../خوشبختی به خوب رنج کشیدن است، نه به رنج نکشیدن که دروغ است

درباره راحت‌طلبی، حضرت امام(ره) چه فرمودند؟ خلاصه‌اش کنم برای شما، جملات در صحیفه حضرت امام هست، چند فرازش را بیشتر نمی‌خوانم. حضرت امام(ره) می‌فرماید: «از صدر اسلام تا کنون، دو طریقه، دو خط بوده است.» خط چپ و راست ما نداریم. نمی‌دانم چی و

چی نداریم. اسم‌هایی که بعضی وقت‌ها من در آوری درست می‌کنند. یک گروه اندکی برای اینکه خودشان را بزرگ نشان بدهند، اسم گروه انبوه دیگری را یک اسم می‌گذارند سرشان؛ از این بازی‌هایی که اهل سیاست و ژورنالیسم سیاسی بیشتر درمی‌آورند.» امام می‌فرماید، صحیفه امام جلد ۱۴، صفحه ۵۱۹، چون همه کلام را نمی‌توانم بخوانم، آدرسش را خواندم برایتان، الان دیگر در هر کامپیوتر و اینترنتی راحت می‌توانید آخرش مطالعه کنید، بعد بگردید بخوابید.

می‌فرمایند: «از صدر اسلام تاکنون دو طریقه، دو خط بوده است. یک خط، خط اشخاص راحت‌طلب که تمام همّت‌شان به این است که یک طعمه‌ای پیدا بکنند و بخورند و بخوابند و عبادت خدا هم آنهایی که مسلمان بودند می‌کردند. [یعنی راحت‌طلب، مسلمان و غیرمسلمان ندارد.] اما مقدم بر هر چیزی در نظر آنها، راحت طلبی بود. در صدر اسلام از این اشخاص بودند.» بعد، می‌آورد توضیح می‌دهد حضرت امام، تا می‌رسد به نهضت ما، فرمود در نهضت ما هم این جور آدم‌ها بودند. بعد مثال آدمش را می‌زند، حرف‌های آن آدم را بدون اینکه نامش را ببرد، ذکر می‌کنند.

بعد می‌فرماید که «یک دسته این طور هستند، [یعنی راحت‌طلب هستند.] حضرت امیر(ع) از اینها تعبیر می‌کند که اینها هم‌شان علف‌شان است. مثل حیواناتی که هم‌شان این است که شکمشان سیر بشود، شهوت‌شان را بر همه چیز مقدم می‌دارند. نماز هم می‌خوانند، روزه هم می‌گیرند. عبادت شرعی را هم به جا می‌آورند. لکن این طور است وضع تفکر که: انسان نباید خودش را در معرض یک خطری، در معرض یک چیزی قرار بدهد، و این کاری که این ملت شریف اسلام کردند، این کار یک کار چون‌آمیز بوده است!» (صحیفه امام/۱۴/۵۱۹)

در عبارت دیگری از عبارات‌های حضرت امام، در جلد ۱۲، صفحه ۴۸۷، می‌فرماید: «منتظر این نباشید که راهتان راه خدا و راه حق باشد و همیشه در رفاه باشید. آنهایی در رفاه اند که راهشان راه خدا نیست. همیشه امثال مستکبران که راهشان راه خدا نبوده و غافل از همه مراتب انسانیت بوده‌اند در رفاه بودند و در عیش و عشرت. و اشخاصی که برای خدا و بندگان خدا خدمت می‌کردند، در زحمت و رنج بوده‌اند.»

طمع‌اش را بکنیم. خوشبختی به خوب رنج کشیدن است، نه به رنج نکشیدن که دروغ است، اصلاً نیست.

ادامه دارد فرمایشات حضرت امام، می‌فرماید: «خب تکلیف چیست؟ [یعنی در مقابل این سختی‌هایی که همراه می‌کنند. مثلاً هجوم می‌کنند، می‌کشند افراد را، ایجاد مزاحمت می‌کنند، مذبذب می‌گذارند و ...] تکلیف این است که حالا ما رها کنیم آن طریقه اسلام را؟ و آن طریقه انبیاء را؟ و راحت طلبی را انتخاب کنیم و چند روز ادامه زندگی حیوانی بدهیم؟ با حیوانات فرق نداشته باشیم؟ حیوانات هم «ان من شیء إلا یسبح بحمده» حیوانات هم تسبیح خدا می‌کنند. [یعنی نینبید احياناً اینها بعضی‌هايشان راحت‌طلب هستند و نماز می‌خوانند. مگر حیوان چیز بدی است؟ حیوان هم تسبیح می‌کند.] آنها هم ذکر و تسبیح دارند. لکن هم‌شان علف‌شان است. [امام به راحت‌طلب‌ها می‌فرماید مانند حیوان هم‌شان علف‌شان است اگرچه نماز بخوانند.] انسان هم باید این طوری باشد که هم‌ش علفش باشد و هرچه دلت و خواری است تن به آن بدهد. برای اینکه این چند روز زندگی مرقه بکند؟!»

امام در آخر عمرشان نگران جریان راحت‌طلبان و اسلام آمریکایی بودند/ حضرت امام اواخر احساس می‌کردند جریانی در همین بچه‌های انقلابی، دنبال اسلام آمریکایی هستند

چون جوان‌های باهوش در جلسه ما الحمدلله زیاد هستند، بگذارید یک آماری بدهم. بعدها اسلام راحت‌طلبی را حضرت امام(ره) معرفی می‌کنند به اسلام آمریکایی. بگذارید یک آماری از صحیفه حضرت امام درباره کلمه اسلام آمریکایی و اسلام ناب برای شما بگویم. از کلمه اسلام آمریکایی حضرت امام ۱۸ بار استفاده کردند. ۱۷ بارش در دو سال آخر عمر شریف‌شان بوده. ۱۵ بار از این هفده‌بار، بعد از قطعنامه بوده.

حضرت امام اواخر احساس می‌کردند جریانی توی خود همین بچه‌های انقلابی، دنبال اسلام آمریکایی هستند. و بعد اینها را معرفی کردند، شما جلد آخر صحیفه امام را واجب است بروی بخوانی.

از «اسلام ناب» ۳۴ مرتبه استفاده کردند که هر سی و چهار مرتبه‌اش در دو سال آخر عمر شریف‌شان بوده. از این ۳۴ مرتبه، ۳۲ مرتبه‌اش بعد از پذیرش قطعنامه بوده. قطعنامه پذیرفته شد، ولی نگرانی حضرت امام باقی بود، که مبدا مملکت به سمت راحت‌طلبی مملکت برود. بروید پیدا کنید. دوتا جریان هست، در جامعه ما هم دوتا جریان هست. جریان راحت‌طلب، جریان جهادگر. البته در هر جریانی ممکن است بالاخره اشتباه‌هایی رخ بدهد، یک کسی اشتباهی رفته باشد آن طرف، یک کسی اشتباهی آمده باشد این طرف. این مسائل را باید کنترل کرد.

یک حاشیه هم بزنم قبل از سخنان حضرت زهرا(س). آن حاشیه این است که الان به ما می‌گویند راحت‌طلب باش، بعد می‌روند یک عده‌ای را به عنوان جهادگر درست می‌کنند، که بیایند سر ببرند. یک مطالعه‌ای هم آن طرف بکنید. چه جوری آن جوان‌ها را آوردند به عشق جهادگری، به عنوان قاتل درست کردند؟

«راحت‌طلبی» گلیه حضرت زهرا(س) از مردم مدینه

اما ربط این بحث‌ها به فاطمیه چی بود؟ حضرت زهرا(س) گلّه‌شان از مردم مدینه همین بود. «آلَا وَ قَدْ آزَى وَ اللَّهُ أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ وَ رَكَنْتُمْ إِلَى الدَّعَةِ» (کشف الغمّه/۱/۴۹۱) به خدا قسم، من دارم می‌بینم که شما مردم مدینه میل به راحت‌طلبی و آسایش پیدا کرده‌اید. حضرت زهرا(س) گلّه‌شان از مردم چی بود؟ اینکه اینها به سمت راحت‌طلبی رفتند. این سخنان را حضرت زهرا(س) کجا بیان فرمودند؟ در سخنرانی مسجدی که می‌دانید و خطبه قرآبی که قرائت فرمودند.

یک جمله روضه بخوانم. دوستان حضرت زهرا(س)، بلکه مریدان حضرت! فرزندان حضرت! وقتی وجود نازنین فاطمه زهرا(س) بین در و دیوار مورد اصابت قرار گرفت گله نکرد، از غلاف شمشیر گله نکرد، از سیلی گله نکرد؛ اما وقتی با راحت‌طلب‌ها حرف زد، بهشون گفت: جواب بدهید، جواب فاطمه را ندادند، برگشت آمد خانه صدا زد: «علی! من را خوارم کردند. من از اینها استمداد طلبیدم، جواب من را ندادند.» (حَتَّى حَسَبْتِي قَيْلَةً نَصْرَهَا وَ الْمُهَاجِرَةَ وَ صَلَّهَا وَ غَضَّتِ الْجَمَاعَةُ دُونِي طَرْفَهَا فَلَا دَافِعَ وَ لَا مَانِعَ خَرَجْتُ كَأَطْمَةٍ وَ عَدْتُ رَاعِمَةً ... لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَيْبَتِي وَ دُونَ دَلِيَّتِي؛ احتجاج طبرسی/۱۰۷) در میان آن جمع فقط یک نفر - همسر پیامبر گرامی اسلام ام سلمه - سر از پنجره بیرون آورد، صدا زد «نامردها! این دختر پیغمبر شماست؛ دارد فریاد می‌زند.»

صدا زد علی جان! ای کاش جان داده بودم، ندیده بودم این وضعیت را. اینقدر مردم به آسوده‌طلبی دچار شدند و به عافیت‌طلبی دچار شدند. در مردم مدینه همین طور بود. شب آخر مجلس است، یک سر کربلا هم بزنیم. مردم کوفه هم یکی از اصلی‌ترین دلایلش این بود، گفتند می‌رویم حسین را می‌کشیم، راحت می‌شویم دیگر جنگی نخواهیم داشت. راحت‌طلبی، سر حسین بالای نیزه کرد؛ یا ابوالفضل العباس، شما کجا بودی مدینه، اگر امثال تو در مدینه بودند، در خانه علی آتش نمی‌گرفت. **الا لعنت الله على القوم الظالمين...**

